

نکته‌هایی از استاد احمد گلچین معانی دربارهٔ نسخ خطی، فهرستنگاری و کتابشناسی

○ بهروز ایمانی

حرمیت و شکوه آن می‌افزاید.

اهمیت تصحیح متون بر کسی پوشیده نیست و «احیای هر اثری از آثار علمی و ادبی قدیم، در حکم یافتن حلقهٔ مفقوده‌ای است که شیرازهٔ ادبیات و سلسلهٔ حیات معنوی و فرهنگی ما را به هم پیوند می‌دهد...»^۱

باید با تشکیل انجمن صنفی مصححان، تقویت و تأیید مراکز و ناشران متون خطی، بهره‌جویی از آموزه‌ها و تجارب متن‌پژوهان و فهرستنگاران آموزده، و پرورش مصحح و فهرستنگار، کار تصحیح متون را سامان افزون‌تر داد و دامنهٔ این حوزهٔ پژوهش را هرچه بیشتر گسترد. تاریخ متن‌پژوهی و سیر تصحیح متون در کشور ما هنوز به نگارش و پژوهش مفصل درنیامده است و اگر روزی به تحقق پیوندد، بی‌گمان، یکی از فصول مهم و عمدهٔ آن باید اختصاص یابد به تأملات متن‌پژوهانهٔ مصححان بزرگ و فرزانه‌ای چون علامه قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی، جلال‌الدین همایی، محدث ارموی، غلامحسین یوسفی، سعید نفیسی و... تا با مطالعه روش‌ها و اندیشه‌های آنان، و تلفیق شیوه‌ها و نظریه‌پردازی‌های نوین متن‌پژوهی با آن روش‌ها و اندیشه‌ها، رویکرد علمی و انتقادی به متون صورت گیرد و با تحقیق و تأمل بیشتر، تصحیح شوند.

استاد احمد گلچین معانی نیز در شمار دانشوران آوازه‌مند این دیار است، که در حوزه‌های تحقیق، تصحیح، کتابشناسی و فهرستنگاری، اثری ارزشمند و پرمایه آفریده و بی‌گمان، شناخت شیوه‌های فهرستنگاری، کتابشناسی نقادانه، و بهره‌جویی از تجربیات ایشان در عرضه متن‌پژوهی و نسخه‌شناسی، در مطالعات و تحقیقات مربوط به متون خطی، راهگشا و سودمند است.

متأسفانه استاد گلچین معانی، تجربیات خود را دربارهٔ فهرستنگاری، متن‌پژوهی و کتابشناسی مکتوب نکرده و ما با تورتق آثار و مطالعهٔ مصاحبه‌های ایشان، چند نکته در زمینه‌های یادشده پیدا کردیم که می‌آوریم:

۱. شناخت فرهنگ اعصار گذشته، در گرو حراست نسخ خطی و

فخامت و فره‌سرزمین، به دیرینگی تمدن و سترگی و پرمایگی فرهنگ آن بسته است، و شکوه و شکوفایی فرهنگی در پرتو تلاش‌های فکری فرهیختگان و دانشوران به حصول می‌پیوندد. آنان که سپیدی اوراق را به قدم قلم پیمودند و صحیفه دانش و اندیشه را شیرازه بستند، و کاتبان، آن اوراق عتیق را در هیأت نسخ خطی - که گرانبه‌ترین میراث بشری است - به آیندگان رساندند.

جامعه‌ای که می‌خواهد رگه‌های فرزانی و فرهیختگی را در تاریخ خود برکاوَد و دریابد، ناگزیر و ناگزیر از تفحص و تصفح صحیفهٔ فرهنگ گذشته، و بازیابی و احیای میراث مکتوب دانشمندان و متفکران خود است. فرهنگ گذشته، برگهٔ هویت آیندهٔ جوامع است و باید پا به پای پیشرفتهای فکری امروزی، از دانش و بینش، حکمت و تفکر فرهیختگان اعصار گذشته نیز بهره جست تا جامعه‌ای هویت‌دار و مترقی ساخت، و به گفتهٔ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی: «گذشتهٔ پرشکوه و افتخارآمیزی راه، که پشت سر گذاشته‌ایم، نباید به کلی از یاد برده و فراموش کنیم، بلکه باید همیشه کاخ زرین و روش آینده‌ای را که در ذهن ترسیم می‌کنیم، براساس پایه‌های محکم و استوار این گذشته، بنیان‌گذاری نماییم... زیرا باتوجه به گذشتهٔ روشن و پایگاه بزرگ خود، در صحنهٔ تاریخ بهتر می‌توانیم مقام حقیقی خود را درک کنیم. و تا وقتی چشم به آینده داریم، باید براساس گذشته و تجارب پیشین ما باشد و از میراث پرشکوه و باستانی خود دفاع کنیم. شاید هنگامی که عظمت روزگار پیشین خود را با وضع کنونی مقایسه کنیم، توانایی بیشتری برای آینده‌ای درخشان در خود احساس نماییم.»^۲

دستیابی به تجارب پیشین، بازیابی ذخیره‌های اطلاعاتی گذشته و تحصیل میراث پرشکوه باستانی، کار مصحح و متن‌پژوه است. متن‌پژوه، گذرگاه تاریخ را در می‌نوردد و به ژرفای سده‌ها نفوذ می‌کند، و شاعران، هنرمندان و دانشوران را نفس در نفس می‌آمیزد و آنها را به بود و نمودی دوباره برمی‌انگیزد، و بدین‌سان با نمایاندن این چهره‌های دانش و اندیشه، و احیای میراث کلان معنوی آنها، فرهنگ سرزمین خود را جایگاه و پایگاه برتر و بهتر در میان فرهنگها می‌بخشد و به

جامعه‌ای که می‌خواهد رگه‌های فرزاندگی و فرهیختگی را در تاریخ خود بر کاود و دریابد، ناگزیر و ناگزیر از تفحص و تصفح صحیفه فرهنگ گذشته، و بازیابی و احیای میراث مکتوب دانشمندان و متفکران خود است

استفاده از آنهاست:

«ما اگر بخواهیم فرهنگ اعصار و گذشته را بشناسیم، باید این نسخه‌های خطی، حفظ و حراست شوند تا بتوانیم از آنها استفاده کنیم.»^۲

۲. برای تبیین کیفیت ادبیات فارسی، تعیین کمیت آثار ادبی و احیا و تصحیح آنها بایسته است:

«در دنیای جدید که تحقیق و آمارگیری، ارزش و مقدار خود را نشان داده است و آثار مترتبه بر آن، بر ارباب خبرت و بصیرت پوشیده نیست، دانستن این که فی‌المثل در ادبیات منظوم فارسی، چند مثنوی حماسی تاریخی و چند مثنوی حماسی دینی وجود دارد، بی‌فایده نیست و بلکه لازم است. همچنین استقصای کم و کیف ساقی نامه‌ها، ترجیح‌بندها، مثنویات قضا و قدر، مثنویات سوز و گداز، یوسف و زلیخاها، خسرو و شیرین‌ها، تتبعات مخزن‌الاسرار، شروح مثنوی معنوی و گلشن راز، شروح گلستان و بوستان و نظایر آن، بسیار سودمند است.»^۳

۳. برای تدوین تاریخ ادبیات فارسی، در قلمرو زبان دری، نخستین مرجع ارباب تحقیق، کتب تذکره است:

«در عالم کتابشناسی، فایده دانستن

و دریافتن این که در یک رشته و فن،

چه مقدار کتاب وجود دارد، و هریک

در چه زمان و مکان تألیف شده

است، و شناختن نسخه‌های

موجود آنها بر کسی پوشیده

نیست، به خصوص که نقدی هم

در کار باشد و ارزش و اعتبار این قبیل

آثار بر خواننده خواهنده هم معلوم گردد.

برای تدوین تاریخ فارسی در قلمرو زبان دری،

که پشتوانه زبان و فرهنگ ماست و شناختن

و شناساندن شاعران فارسی زبان و عصر و زمان آنها و سوانح زندگی هریک، و تعیین پایه و مایه، و تشخیص سبک و سیاق سخن ایشان، نخستین مرجع ارباب تحقیق، کتب تذکره است.»^۴

۴. راهنما و راهگشا بودن فهرست در شناسایی متون، و معرفی نسخ خطی، افزون بر بصیرت و اهلیت فهرستنگار، اعتبار مالی نیز می‌طلبد:

«فهرست باید راهنما و راهگشا بوده و از حیث شناسایی نسخه و شناسنامه کتاب، کامل باشد و لازمه این کار، علاوه بر بصیرت و اهلیت فهرست‌نویس، وجود اعتبار مالی و دریغ نکردن از هزینه چاپ آن است. چه در غیر این صورت، دست فهرستنگار بسته خواهد بود، و فهرستی که با رعایت صرفه‌جویی مالی نوشته شود، گرهی از کار پژوهشگران باز نخواهد شد.»^۵

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: مقاله «نهضت علمی اسلامی»، مجموعه مقالات، به کوشش طه حجازی، تهران مؤسسه انتشارات بعثت، صص ۳-۴.

۲. همایی، جلال‌الدین، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه: عزالدین محمود بن علی کاشانی، تهران، مؤسسه نشر هما، چاپ سوم، ۱۳۶۷، ص ۷ (مقدمه).

۳. کیهان فرهنگی، سال ۸، شماره ۸، بهمن ۱۳۷۰، ص ۹.

۴. شهرآشوب در شعر فارسی (تحریر ثانی)، ص ۲.

۵. تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۳.

۶. میراث جاویدان، سال ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۱۸.

